

رهیافتی حقوقی-اقتصادی به آثار خارجی در اقتصاد ایران^۱

محمدحسین کرمی*

چکیده

آثار خارجی عبارت از هزینه‌ها یا منافع است که خارج از قالب مبادلات بازاری از یک فعالیت اقتصادی به دیگران منتقل می‌شود. با توجه به وجود زمینه‌های شکل‌گیری آثار خارجی در جامعه ما، می‌توان این موضوع را در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار داد. یکی از جنبه‌های قابل بررسی در این زمینه، ارزیابی میزان مطابقت رویکردهای موجود در مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران است. در میان اندیشه‌های اقتصادی، نئوکلاسیک‌ها و نهادگرایان جدید نقش متمایزی در معرفی و گسترش آثار خارجی داشته‌اند.

در این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی پس از ترسیم رهیافتی حقوقی از رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید و شناسایی قواعد مسئولیت مدنی سازگار با هر یک از رویکردهای یادشده، میزان مطابقت این رویکردها با نظام مسئولیت مدنی حاکم بر حقوق موضوعه ایران ارزیابی می‌شود. براساس نتایج، اولاً نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران، بر خلاف رویکرد نئوکلاسیک، فقط بر مبنای مسئولیت محض شکل نگرفته و ثانیاً، از رویکرد پیشینه‌سازی خالص منفعت اجتماعی نهادگرایی جدید پیروی نکرده است. شاید هر دو نتیجه یادشده، ناشی از آن باشد که نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران، در راستای هدف کارایی اقتصادی وضع نشده است.

واژگان کلیدی: آثار خارجی، اقتصاد ایران، اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد نهادگرایی جدید، کارایی اقتصادی، مسئولیت مدنی، حقوق و اقتصاد.

طبقه‌بندی JEL : D61, D62, H21, H23, B52, E13, P48, K13, N45.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است که آقای سعید گودرزی دستیار این طرح بوده‌اند

mhkarami@rihu.ac.ir

* استادیار اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۶

مقدمه

آثار خارجی هنگامی شکل می‌گیرد که بخشی از هزینه‌ها یا منافع یک فعالیت اقتصادی، که باید در قالب مبادله به دیگران منتقل شود، خارج از این چارچوب انتقال یابد. برای مثال، مالک یک کارخانه، هزینه‌ای بابت آلوده کردن هوا و زیان‌هایی نمی‌پردازد که از این طریق به دیگران وارد می‌کند. این هزینه‌های جبران نشده، مصداق آثار خارجی هستند.

در میان اندیشه‌های اقتصادی، نئوکلاسیک‌ها و نهادگرایان جدید نقش متمایزی در ارائه و بسط مسئله آثار خارجی داشته‌اند. طبق دیدگاه اقتصاد نئوکلاسیک، آثار خارجی به مثابه تباین میان هزینه‌ها یا منافع خصوصی و اجتماعی است. براساس این، هزینه‌های ناشی از آلودگی کارخانه، جزء هزینه‌های اجتماعی منظور می‌شود؛ اما در هزینه‌های خصوصی کارخانه به شمار نمی‌آید (پیگو، ۱۹۳۲، ص ۱۸۵-۱۸۶). تفاوت میان این دو هزینه، معادل آثار خارجی است. رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی، درونی کردن آن با استفاده از ابزارهای دولتی است (همان، ص ۱۹۲). دلیل اتخاذ این رویکرد آن است که نئوکلاسیک‌ها معتقدند وقتی همه هزینه‌ها یا منافع یک فعالیت برای عامل آن لحاظ نشود، بازار در تخصیص بهینه منابع شکست می‌خورد و از آنجا که درونی کردن آثار خارجی بدون مداخله دولت امکان‌پذیر نیست، استفاده از راهکارهای دولتی را پیشنهاد می‌کنند.

طبق رویکرد نئوکلاسیک، وقتی از فعالیت «الف»، زیانی به «ب» وارد می‌شود، باید جلوی فعالیت زیان‌بار «الف» گرفته شود. نهادگرایان جدید، با تأکید بر ماهیت دوسویه آثار خارجی، این رویکرد را به نقد می‌کشند. طبق دیدگاه نهادی، اجتناب از زیان دیدن «ب» مستلزم تحمیل ضرری به «الف» خواهد بود؛ از این‌رو مسئله اساسی، پیشگیری از زیان بیشتر است (کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴). به‌عنوان مثال، وقتی ورود دام‌های یک دامدار به مزرعه مجاور اجتناب‌ناپذیر باشد، افزایش عرضه محصولات دامی به قیمت کاهش عرضه محصولات زراعی تمام خواهد شد. در این صورت، باید با در نظر گرفتن ارزش محصولات دامی و زراعی مشخص کرد که آیا مزرعه‌دار حق دارد مانع ورود دام‌ها شود یا از دامدار خسارت دریافت کند یا چنین حقی ندارد (همان). به این ترتیب، رویکرد اقتصاد نهادگرای جدید در مواجهه با آثار خارجی، اتخاذ تدابیری است که در نتیجه آن، فعالیت‌هایی تداوم یابند که منافع بیشتری ایجاد می‌کنند یا زیان‌های کمتری به بار می‌آورند. نظر به اهمیت رویکردهای یادشده، در این مقاله میزان انطباق آنها بر نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. رهیافت حقوقی در مواجهه با آثار خارجی

بررسی میزان کاربرد رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران، دست کم به دو روش امکان پذیر است: روش نخست، مشاهده همه مصادیق آثار خارجی و نحوه مواجهه با آنها در اقتصاد ایران است که به دلیل کثرت مصادیق آثار خارجی در عمل امکان پذیر نیست؛ روش دوم - که در این مقاله مورد استفاده قرار می گیرد - ترسیم رهیافت حقوقی به مسئله آثار خارجی و بازتعریف رویکردهای یادشده براساس آن است. این روش برای بررسی موضوع این مقاله مناسب است؛ زیرا اولاً رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی، ارتباط نزدیکی با مفاهیم حقوقی دارند؛ از این رو می توان آنها را با استفاده از این مفاهیم بازتعریف کرد و ثانیاً بررسی میزان کاربرد این رویکردها در اقتصاد ایران، با استفاده از مقایسه مفاهیم حقوقی امکان پذیر است.

از میان مفاهیم حقوقی، مفهوم مسئولیت مدنی ارتباط نزدیکی با آثار خارجی و نیز با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی دارد. در مطالعات حقوق اقتصادی نیز از مسئولیت مدنی به عنوان شیوه مواجهه با آثار خارجی یاد می شود (شاول، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳؛ کوز، ۱۳۹۰). از این رو در این مقاله با تمرکز بر مفهوم مسئولیت مدنی، به بازتعریف رویکردهای یادشده و بررسی میزان مطابقت آنها با نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران پرداخته می شود. در این بخش، ابتدا مفهوم مسئولیت مدنی تبیین و سپس ارتباط آن با آثار خارجی مشخص می شود و سرانجام، سازگاری آن با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید نشان داده می شود.

۱-۱. مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت در اصطلاح حقوقی، تکلیف واردکننده زیان نسبت به پاسخگویی به زیان در مقابل دادگاه و بر عهده گرفتن آثار مدنی، کیفری، انتظامی و... آن است (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۷-۲۸). برحسب اینکه خسارت متوجه فرد یا جامعه باشد، دو نوع مسئولیت وجود خواهد داشت: یکی مسئولیت مدنی و دیگری مسئولیت کیفری. مسئولیت کیفری وقتی به وجود می آید که فرد یا افرادی بر اثر کردار یا رفتار مجرمانه، نظم اجتماع را مختل و جامعه را متضرر کنند. مسئولیت مدنی هنگامی محقق می شود که فرد یا افرادی به دیگری خسارت وارد کنند (لطفی، ۱۳۹۳).

به دیگر سخن، مسئولیت مدنی عبارت است از «تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد، یا ناشی از فعالیت او ایجاد

شده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۷۲). بر مبنای مسئولیت مدنی، رابطه دینی ویژه‌ای بین زیان‌دیده و مسئول به وجود می‌آید؛ زیان‌دیده طلبکار و مسئول، بدهکار می‌شود و موضوع بدهی، جبران خسارت است که به‌طور معمول با پرداخت پول انجام می‌شود (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

۱-۲. ارتباط مسئولیت مدنی با آثار خارجی

مسئولیت مدنی یکی از مفاهیم پایه‌ای حقوق خصوصی است که موضوع آن، چگونگی مواجهه با خسارت‌هایی است که از یک شخص به دیگران وارد می‌شود. چنانچه از تعریف آثار خارجی برمی‌آید، آثار خارجی نیز نوعی خسارت است که از سوی یکی از طرفین آثار خارجی به طرف دیگر وارد می‌شود؛ به همین جهت از مسئولیت مدنی به‌عنوان یکی از شیوه‌های مواجهه با آثار خارجی یاد می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۳).

چنانچه بیان شد، آثار خارجی را می‌توان نوعی خسارت به شمار آورد؛ این در حالی است که این پندار تنها با آثار خارجی منفی سازگار است؛ زیرا در آثار خارجی مثبت، منفعی از یک فعالیت اقتصادی به دیگران منتقل می‌شود؛ از این‌رو خسارت دانستن آن منطقی نیست. پاسخ به این اشکال مقدر، مستلزم توجه به ماهیت دوسویه آثار خارجی است. در آثار خارجی منفی، عامل ایجاد آثار خارجی، خسارتی به عامل تحت تأثیر آن وارد می‌کند؛ در مقابل، عامل تحت تأثیر آثار خارجی نیز هم‌زمان منفعی به عامل ایجاد آثار خارجی منتقل می‌کند؛ این منفعت، چیزی نیست جز تحمل رایگان هزینه‌هایی که بر او وارد می‌شود.

به همین سیاق، آثار خارجی مثبت، اگر از سوی عامل ایجاد آن نگریسته شود، منفعت است و اگر از سوی عامل تحت تأثیر آن نگاه شود، خسارت است. به‌عنوان مثال، شخصی که از روشنائی جلوی خانه دیگران بهره‌مند می‌شود و در ازای آن چیزی نمی‌پردازد، در عین حال که از جانب صاحب این خانه‌ها منفعی دریافت می‌کند، در حال انتقال خسارتِ پرداختن هزینه بازاری بابت بهره‌مندی از روشنائی به آنهاست. این نوع از خسارت، به عدم‌المنفع مشهور است.

به این ترتیب، بحث از آثار خارجی مثبت و منفی، تنها از حیث جهت هزینه‌ها و منافع تفاوت دارد؛ از این‌رو در این مقاله برای پرهیز از اطاله، تنها از آثار خارجی منفی بحث می‌شود. آشکار است که نتایج به‌دست آمده برای هر دو نوع آثار خارجی درست خواهد بود.

۱-۳. سازگاری مسئولیت مدنی با رویکرد نئوکلاسیک و نهادگرا از حیث هدف

چگونگی مواجهه با خسارت‌های وارد شده از یک شخص به دیگران، براساس اهداف ترسیم شده برای

مسئولیت مدنی مشخص می‌شود. هر یک از نظام‌ها و دیدگاه‌های حقوقی، اهداف مشخصی در این باره دارند. به‌طورکلی منظور از اهداف مسئولیت مدنی «این است که این نوع مسئولیت در عمل چه نیازها و چه هدف‌هایی را برآورده می‌کند» (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۷۶ و ۳۱۹ به نقل از: لوتورنو و کادیه).

در دیدگاه‌های مرسوم حقوقی،^۱ برای مسئولیت مدنی اهدافی مانند حمایت از تعلقات اشخاص، تلافی، برائت و مجازات رفتارهای خطاکارانه عنوان می‌شود (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۳۰-۳۱). مشهورترین هدفی که برای مسئولیت مدنی عنوان می‌شود، جبران خسارت است. براساس این هدف، قواعد مسئولیت مدنی باید به‌گونه‌ای سامان یابند که در حوادث منجر به خسارت، تا حد امکان جبران خسارت صورت پذیرد.

در نظریات ابزارگرایانه،^۲ که حقوق را به مثابه ابزاری برای اهداف مشخص در نظر می‌گیرند، اهداف مسئولیت مدنی نیز به تناسب هدف یادشده تغییر می‌کند. برای مثال، در ابزارگرایی اقتصادی، هدف اساسی حقوق، حصول کارایی اقتصادی است و هدف مسئولیت مدنی نیز در راستای کارایی اقتصادی ترسیم می‌شود.

براساس دیدگاه اخیر، مسئولیت مدنی با کاهش مجموع هزینه‌های حوادث، از جمله هزینه‌های پیشگیری از حوادث، هزینه‌های خارجی حوادث، هزینه‌های اجتماعی حوادث و هزینه‌های اداری می‌تواند افزایش ثروت جامعه را در پی داشته باشد (ماتیچی و پارسی، ۲۰۰۶، ص ۲). از آنجا که در این دیدگاه، بیشینه کردن ثروت، مبنای کارایی اقتصادی است (پازنر، ۱۹۹۵، ص ۹۹)، مسئولیت مدنی به کارایی اقتصادی منجر می‌شود. براساس نظریه ابزارگرایی اقتصادی، مسئولیت مدنی دست‌کم به دو شیوه می‌تواند کارایی اقتصادی را محقق کند:^۳

۱. از طریق وادار کردن انجام‌دهندگان فعالیت‌های زیان‌بار به احتساب هزینه‌های خارجی آن فعالیت‌ها در هزینه‌های نهایی خصوصی فعالیت خود (هدف درونی کردن آثار خارجی) (کالابرسی، ۱۹۶۱، ص ۴۲-۵۱)؛

۲. ایجاد انگیزه برای افراد جهت در پیش گرفتن آن دسته از اقدامات احتیاطی که از نظر هزینه قابل توجیه است (هدف بازدارندگی اقتصادی) (پری، ۲۰۰۰، ص ۶۱-۶۲).

۱. در نظریات مرسوم، به مسئولیت مدنی به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول و هنجارهای اخلاقی مسئولیت فردی، که در ارتباط با نحوه رفتار افراد با یکدیگر است، نگریسته می‌شود و سعی بر آن است تا مسئولیت مدنی از طریق مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی نظیر تقصیر، حق، عدالت، برابری، آزادی و... توجیه شود (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۶۴).

۲. در نظریات ابزارگرا، به مسئولیت مدنی به‌عنوان وسیله و ابزاری برای دستیابی به هدف‌هایی نگریسته شود که از نظر اجتماعی به‌طورمستقل قابل توجیه و مطلوب است و مسئولیت مدنی اعتبار خود را از آن کسب می‌کند. این هدف‌ها به‌طورعمده عبارت‌اند از: کارایی اقتصادی، جبران خسارت، توزیع عادلانه خطرها و هزینه‌ها در بین اعضای جامعه و بازداشتن افراد از در پیش گرفتن رفتار غیراجتماعی و زیان‌بار در آینده (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

۳. البته شیوه سومی هم برای این منظور ذکر شده که به دلیل عدم ارتباط با آثار خارجی، بیان نشد و آن، کاهش آثار اجتماعی ضرر از طریق توزیع آن در بین تمام اعضای جامعه یا بخشی از آن است (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۶-۳۹۷).

شیوه نخست با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و شیوه دوم، با رویکرد نهادگرایی جدید سازگار است؛ زیرا چنان‌که در مقدمه بیان شد، رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک، درونی کردن آثار خارجی است و آشکار است که این رویکرد وقتی فعلیت می‌یابد که آثار خارجی شکل گرفته باشد. در مقابل، رویکرد نهادگرایی جدید بیشتر ناظر به تعریف حقوق مالکیت به نفع فعالیت‌هایی است که ارزش محصول آنها بیشتر است؛ از این‌رو این رویکرد جنبه پیشگیرانه دارد.

۲. قواعد مسئولیت مدنی سازگار با رویکرد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید

اهداف مورد نظر در مسئولیت مدنی، از مجرای قواعد (یا مبانی) مسئولیت مدنی محقق می‌شوند. اندیشه‌های حقوقی با توجه به اهداف مدنظرشان، مبانی مختلفی در این خصوص ارائه داده‌اند (بادینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۲). مبنای مسئولیت مدنی در نظریات ابزارگرایی اقتصادی متکفل توجه لزوم تحقق هدف کارایی اقتصادی هستند.

۲-۱. مبانی (قواعد) مسئولیت مدنی

اندیشمندان حقوقی، مبانی و قواعد مختلفی برای مسئولیت مدنی ذکر کرده‌اند که از میان آنها، نظریه تقصیر و نظریه خطر از شهرت بیشتری برخوردارند. براساس نظریه تقصیر، واردکننده زیان در صورتی ملزم به جبران خسارت است که مقصر باشد؛ اما بر مبنای نظریه خطر، صرف ایجاد خسارت، مجوز الزام به جبران آن است. در کنار این دو مبنا، مبنای سومی هم وجود دارد و آن، عدم مسئولیت است. این مبنا را می‌توان از روافع مسئولیت مدنی استخراج کرد.

۲-۱-۱. نظریه تقصیر

نخستین نظریه مدون درباره مبنای مسئولیت مدنی، نظریه تقصیر است (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۳۱؛ مبین، ۱۳۹۰، ص ۶۲). براساس این نظریه، مبنای مسئولیت مدنی، تقصیر عامل زیان و تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت یک شخص به جبران خسارت را توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر او و ضرر است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳). در این نظریه، سطح خاصی برای رعایت احتیاط توسط عامل زیان وجود دارد که دادگاه آن را مشخص می‌کند. بدیهی است که در صورت رعایت احتیاط مقتضی از جانب عامل زیان، خسارت‌های وارد شده بر عهده زیان‌دیده خواهند بود.

۲-۱-۲. نظریه خطر (مسئولیت بدون تقصیر)

پس از انتقاداتی که به نظریه تقصیر وارد شد، برخی نظریه خطر^۱ را مطرح کردند. ملاک مسئولیت مدنی براساس این نظریه، فعالیتی است که ایجاد خطر می‌نماید، نه ارتکاب تقصیر. به‌دیگرسخن، هر کسی که در اثر فعالیت خود باعث بروز خطری شود که به دیگری زیان وارد نماید، مسئول است و باید خسارت را جبران کند (لطفی، ۱۳۹۳، ص ۳۳). شعار طرفداران این نظریه آن است که «هر کس سود کاری را می‌برد، باید زیان‌های آن را نیز تحمل کند»^۲ (سعادت مصطفوی و پایکاری، ۱۳۹۶، ص ۱۷۰).

۲-۱-۳. عدم مسئولیت (روافع مسئولیت مدنی)

مسئولیت مدنی - چنانچه بیان شد- یا بر رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و فاعل آن استوار است، یا بر تقصیر عامل زیان؛ ازاین‌رو اگر رابطه سببیت یا تقصیر به هر دلیل از بین برود، مسئولیت مدنی نیز از بین خواهد رفت. به چنین مواردی در اصطلاح حقوقی، «روافع مسئولیت مدنی» گفته می‌شود. از آنجاکه وجود روافع مسئولیت مدنی، به منزله عدم مسئولیت است، می‌توان مواردی را که در آنها چنین مواردی وجود دارد، تحت قاعده «عدم مسئولیت» ذکر کرد. در ادامه به برخی از روافع مسئولیت مدنی اشاره می‌شود که با آثار خارجی ارتباط دارند.

۲-۱-۳-۱. تقصیر زیان‌دیده

تقصیر زیان‌دیده، به‌عنوان یک عامل خارجی می‌تواند رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و فاعل آن را قطع کند، یا از شدت آن بکاهد (اصلائی، ۱۳۸۴، ص ۸۵). برای این منظور لازم است اولاً میان تقصیر زیان‌دیده و تحقق خسارت، رابطه سببیت وجود داشته باشد و ثانیاً تقصیر زیان‌دیده در نتیجه تقصیر عامل زیان نباشد (کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸).^۳ در برخی از موارد، ممکن است عامل تحت تأثیر آثار خارجی در بروز یا شدت یافتن آن نقش داشته باشد. به‌عنوان مثال، اگر شخصی در زمان خاکبرداری زمین مجاور، لباس‌هایش را برای خشک شدن در فضای باز بیاویزد، خود مقصر کثیف

۱. ذکر این نکته ضروری است که نظریه خطر، به مسئولیت محض منجر می‌شود. گاه به جای مسئولیت محض (یا نوعی) به اشتباه از مسئولیت مطلق (یا عینی) استفاده می‌شود که اشتباه است؛ زیرا در مسئولیت مطلق، تنها شرط لازم برای مسئول شناختن کسی، ورود خسارت است و نه تنها تقصیر در این امر جایگاهی ندارد، بلکه حتی نیازی به اثبات رابطه سببیت نیز نیست؛ درحالی‌که در مسئولیت محض، برای اثبات مسئولیت، باید رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و عامل زیان ثابت شود (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

۲. این شعار، بسیار با قاعده فقهی «من له الغنم فعليه الغرم» نزدیک است...

۳. تقصیر زیان‌دیده در حقوق اسلام نیز به‌عنوان یکی از عوامل رفع مسئولیت مدنی مورد توجه بوده است. این موضوع از شماری از قواعد فقهی، نظیر اقدام و تحذیر قابل برداشت است (بیاتی و حشمتی، ۱۳۹۴، ص ۳۸-۴۳).

شدن آنهاست و این تقصیر به قطع رابطه سببیت میان عمل خاکبرداری و کثیف شدن لباس‌ها منجر می‌شود.

۲-۱-۳-۲. نامشروع بودن رفتار زیان‌دیده

خسارتی که در جریان رفتار نامشروع زیان‌دیده به وی وارد می‌شود قابل جبران نیست. بنابراین، زیان‌دیده‌ای که به هنگام ورود زیان، مرتکب یک رفتار مجرمانه یا غیراخلاقی شده است، به‌طورکلی از جبران خسارت محروم می‌شود (لگورود، ۱۹۹۱، ص ۶۱۱). ارتکاب رفتار نامشروع از جانب زیان‌دیده، به مثابه تقصیری است که موجب قطع یا تضعیف رابطه سببیت می‌شود.^۱ این مورد نیز - مثل تقصیر متضرر - می‌تواند به‌عنوان یکی از مجوزهای آثار خارجی به شمار آید. به‌عنوان مثال، تکثیر آثار علمی و هنری بدون اجازه پدیدآورنده آن منع قانونی دارد؛ اما اگر این آثار، در بردارنده محتوای نامشروعی باشند - مثل کتب ضالّه و موسیقی‌های بدون مجوز - حمایت قانونی از آنها برداشته می‌شود و دیگران می‌توانند بدون اجازه پدیدآور، به تکثیر آثار یادشده بپردازند.^۲

۲-۱-۳-۳. حکم قانون و دستور مقام صالح

حکم قانون و دستور مقام صالح نیز از علل رافع تقصیر و مسئولیت می‌باشد؛ زیرا مصالح جامعه و رعایت حقوق مردم ایجاب می‌کند که قانون‌گذار مقررات ویژه‌ای را درباره مسائل و موضوعات مختلف جامعه وضع کند. حال اگر از انجام این‌گونه مقررات ضرر و زیانی به دیگران وارد آید، مجریان امر مسئول جبران زیان‌های وارد نیستند، مگر اینکه از حدود اختیارات قانونی تجاوز کرده باشند (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷).

چنین مواردی می‌توانند مجوز آثار خارجی نیز باشند. نمونه‌های بسیاری برای این مورد قابل ذکر است. مثلاً کارخانه‌ای که با دریافت مجوزهای لازم و در چارچوب مقررات در حال فعالیت است، مقداری آلودگی هم ایجاد می‌کند که به شکل هزینه خارجی به دیگران تحمیل می‌شود؛ اما چون فعالیت آن قانونی است، مسئول جبران خسارت‌ها نیست.

۱. در فقه امامیه نیز می‌توان محرومیت زیان‌دیده به جهت ارتکاب عمل نامشروع توسط وی را براساس قاعده «لزوم سختگیری بر ستمکاران، گناهکاران یا مجرمین» و نیز چهره خاصی از قاعده اقدام، با عنوان «اقدام به فعل حرام» اثبات کرد؛ البته در حقوق اسلامی، رفتارهای صرفاً غیراخلاقی که از حیث شرعی یا حقوقی ممنوع نیست، مشمول ضابطه یادشده نمی‌باشد (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷).

۲. البته در مثال‌های ذکر شده - یعنی کتاب‌های گمراه‌کننده و موسیقی‌های غیرمجاز - تنها مانع تکثیر، ممنوعیت آثار خارجی نیست؛ بلکه از جهت‌های دیگر نیز ممنوعیت وجود دارد؛ منتها آنچه در اینجا بیان شد، صرفاً رفع محدودیت از جهت مسئولیت مدنی در قبال پدیدآور بود.

۲-۲. قواعد مسئولیت مدنی سازگار با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک

رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی، برابر ساختن هزینه‌های اجتماعی و خصوصی، با درونی کردن آثار خارجی (یعنی وارد کردن هزینه‌های خارجی) در فعالیت ایجادکننده آن است (بلاگ، ۱۳۷۵، ص ۳۳-۳۴). به‌عنوان مثال، هرگاه به‌نحوی هزینه‌های مربوط به آلودگی وارد تابع هزینه کارخانه آلاینده شود، گفته می‌شود که این هزینه خارجی درونی شده است. براساس این رویکرد، فعالیت‌های همراه با آثار خارجی، به دلیل لحاظ نکردن بخشی از هزینه‌ها، در تصمیم‌گیری برای سطح فعالیت دچار افراط می‌شوند و بیش از سطح بهینه اجتماعی فعالیت می‌کنند. به بیان حقوقی، رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک اقتضا می‌کند که مسئولیت زیان‌های خارجی یک فعالیت به عهده خود او باشد. بر این اساس، برخی معتقدند فلسفه وجودی مسئولیت مدنی تحقق سازوکار درونی کردن هزینه‌های اجتماعی از طریق تحمیل مسئولیت بر فعالیت زیان‌رساننده است (کالابرسی، ۱۹۶۱، ص ۴۲). چنین الگوی مسئولیتی «نظام مسئولیت پیگو»^۱ نیز نامیده شده است (کاتز، ۱۹۹۸، ص ۴۰).

اگر قواعد مسئولیت مدنی بتوانند هدف درونی کردن آثار خارجی را برآورده کنند، با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک سازگاری دارند.

در صورت برقراری «قاعده عدم مسئولیت»، هزینه‌های خارجی تحت هیچ شرایطی درونی نخواهند شد؛ زیرا افراد در ازای خسارت‌هایی که وارد می‌کنند، ملزم به جبران نیستند. به‌عنوان مثال اگر صاحب کارخانه آلاینده در ازای زیان‌هایی که به همسایه‌ها وارد می‌کند، ملزم به جبران خسارت نباشد، این هزینه‌ها همچنان خارجی باقی می‌مانند و درونی نمی‌شوند. بنابراین، قاعده عدم مسئولیت با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک سازگار نیست؛ زیرا براساس این قاعده امکان درونی کردن آثار خارجی وجود ندارد، درحالی‌که رویکرد یادشده بر درونی کردن آثار خارجی اصرار دارد و تنها راه تحقق کارایی اقتصادی را همین می‌داند.

براساس «قاعده تقصیر»، اگر عامل ایجاد هزینه‌های خارجی، سطح احتیاط مقتضی را رعایت کند، ملزم به جبران خسارت نیست. به‌دیگرسخن، اگر این فرد مقصر شناخته نشود، آثار خارجی ناشی از فعالیت وی، درونی نخواهد شد. به‌عنوان مثال، اگر کارخانه‌ای سطوح احتیاط مقتضی را رعایت کند و باوجوداین، هزینه‌هایی به دیگران تحمیل نماید، الزام قانونی برای درونی کردن این هزینه‌ها نخواهد داشت. به این ترتیب با برقراری قاعده تقصیر، تنها در شرایطی هدف درونی کردن هزینه‌های خارجی محقق می‌شود که آسیب‌رساننده سطوح احتیاط مقتضی را رعایت نکرده باشد.

بنابراین، اتخاذ قاعده تقصیر نمی‌تواند در راستای رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی باشد؛ زیرا براساس این رویکرد در همه موارد، چه سطح احتیاط مقتضی رعایت شده باشد و چه نشده باشد، باید آثار خارجی درونی شود.

مطابق «قاعده مسئولیت محض»، همه هزینه‌های خارجی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی درونی می‌شوند. به این ترتیب مسئولیت محض را می‌توان ابزاری برای تحقق هدف درونی نمودن هزینه‌های خارجی دانست (بادینی و عباسی، ۱۳۹۵، ص ۱۳). صاحب یک کارخانه، در هر صورت مسئول جبران هزینه‌هایی است که به دیگران منتقل می‌کند؛ چه جانب احتیاط را رعایت کرده باشد و چه بدون رعایت احتیاط چنین هزینه‌هایی را منتقل کرده باشد. این قاعده کاملاً با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک سازگاری دارد؛ زیرا مسئولیت محض به‌طور مستقیم افراد را به تحمل هزینه‌های فعالیتشان وادار می‌کند. در واقع، با برقراری نظام مبتنی بر مسئولیت محض، چون هر فعالیتی هزینه واقعی خود را تحمل می‌کند، سطح فعالیت‌ها به میزانی خواهد رسید که از نظر اجتماعی مطلوب است (کلمن، ۱۹۹۲، ص ۲۴۰-۲۴۱). از این رو، طرفداران رویکرد نئوکلاسیک، از برقراری مسئولیت محض طرفداری می‌کنند (پری، ۲۰۰۰، ص ۵۹).

۲-۳. قواعد مسئولیت مدنی سازگار با رویکرد نهادگرایی جدید

رویکرد اقتصاد نهادگرایی جدید در مواجهه با آثار خارجی، اتخاذ تدابیری است که در نتیجه آن، از میان فعالیت‌های ایجادکننده آثار خارجی و فعالیت‌های تحت تأثیر آن، تنها فعالیت‌هایی انجام گیرند که در مجموع، به بیشینه شدن تفاضل منافع و هزینه‌های اجتماعی منجر می‌شوند (کوز، ۱۳۹۰). براساس این، اگر یک فعالیت تولیدی به آلودگی رودخانه و از بین رفتن ماهی‌های آن و در نتیجه، کاهش صید ماهی‌گیران منجر شود، باید بررسی شود که ارزش محصول کدام فعالیت بیشتر است. اگر ارزش محصول صیادی بیشتر باشد، درونی کردن هزینه‌های خارجی در دستور کار قرار می‌گیرد و در غیر این صورت، فعالیت آلاینده بدون الزام به درونی کردن هزینه‌های خارجی یا جبران خسارت، تجویز می‌شود. بیان رویکرد نهادگرایی جدید با ادبیات حقوقی چنین است که مسئولیت مدنی در صورتی بر فعالیت زیان‌بار استقرار می‌یابد، که ارزش محصول فعالیت زیان‌دیده بیش از ارزش محصول فعالیت زیان‌بار باشد. در مثال اخیر، اگر ارزش محصول ماهی‌گیران بیشتر باشد، فعالیت آلاینده مسئول جبران خسارت است و در غیر این صورت، الزامی به جبران خسارت وجود ندارد.

قواعد مسئولیت مدنی در صورتی با رویکرد نهادگرایی جدید سازگاری دارند که هدف یادشده را برآورده کنند. اتخاذ هر یک از این قواعد، به شکل‌گیری ترکیب‌های خاصی از منافع و هزینه‌های

اجتماعی منجر می‌شود که از مقایسه آنها می‌توان دریافت که کدام قاعده (نسبت به قواعد دیگر) منافع اجتماعی خالص (منافع اجتماعی منهای هزینه‌های اجتماعی) را بیشینه می‌کند و در نتیجه با رویکرد نهادگرایی جدید سازگار است.

با حاکمیت «قاعده مسئولیت محض»، هزینه‌های خارجی بر عهده آسیب‌رساننده قرار می‌گیرد. بنابراین او انگیزه دارد در صورت صرفه اقتصادی، با اتخاذ تدابیر احتیاطی، هزینه‌های خارجی را کاهش دهد (شاول، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸). در این وضعیت، هزینه‌های آسیب‌رساننده افزون بر هزینه‌های متداول، شامل هزینه‌های احتیاطی هم می‌شود. برای مثال، دامداری که ورود دام‌هایش به زمین مجاور، موجب آسیب مزرعه‌دار می‌شود، افزون بر هزینه‌های مربوط به دام‌ها، متحمل هزینه‌های احتیاطی مثل نصب حصار و استخدام چوپان نیز خواهد شد (کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶).

آسیب‌دیده نیز هزینه‌های متداول فعالیت خود و هزینه‌های خارجی باقیمانده را تحمل می‌کند. در مثال اخیر، اگر انجام اقدامات پیشگیرانه برای دامدار به صرفه باشد، هیچ هزینه خارجی باقی نمی‌ماند و هزینه‌های کشاورز تنها شامل موارد مربوط به زراعت می‌شود؛ از این‌رو در مجموع، هزینه‌های اجتماعی از مجموع هزینه‌های متداول فعالیت آسیب‌رساننده و آسیب‌دیده به علاوه هزینه احتیاطی آسیب‌رساننده و هزینه‌های خارجی باقیمانده تشکیل می‌شود. همچنین در این وضعیت، آسیب‌رساننده به دلیل تحمل هزینه‌های احتیاطی یا جبران خسارت، در مقایسه با وضعیتی که چنین هزینه‌هایی به عهده‌اش نباشد، سطح فعالیت کمتری را انتخاب می‌کند و به تبع، منفعت کمتری هم می‌برد. در این وضعیت، مجموع منافع آسیب‌دیده و آسیب‌رساننده، منافع اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

مطابق «قاعده عدم مسئولیت»، آسیب‌رساننده مسئولیتی در قبال جبران هزینه‌های خارجی ندارد؛ از این‌رو آسیب‌دیده انگیزه دارد در صورت صرفه اقتصادی، برای کاهش هزینه‌های خارجی، اقدامات پیشگیرانه انجام دهد. هزینه‌های اجتماعی در این وضعیت برابر با مجموع هزینه‌های فعالیت آسیب‌رساننده و آسیب‌دیده به علاوه هزینه احتیاطی آسیب‌دیده و هزینه‌های خارجی باقیمانده است. براساس این قاعده، آسیب‌رساننده سطح فعالیتش را بدون توجه به هزینه‌های خارجی ناشی از فعالیت خود تعیین می‌کند. به این ترتیب، او نسبت به حالتی که هزینه‌های خارجی را در تصمیم خود لحاظ کند، سطح فعالیت بالاتری را انتخاب می‌کند و منافع بیشتری می‌برد. آسیب‌دیده نیز با لحاظ کردن هزینه‌های احتیاطی و خارجی، میزان فعالیت خود را تعیین می‌کند. در این وضعیت، مجموع منافع آسیب‌دیده و آسیب‌رساننده، منافع اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

سرانجام، تحت «قاعده تقصیر»، آسیب‌رساننده برای گریز از مسئولیت ناشی از هزینه‌های

خارجی، سطح مقتضی احتیاط را (که توسط دادگاه مشخص می‌شود) در پیش می‌گیرد. هزینه‌های خارجی باقیمانده در این حالت، به آسیب‌دیده منتقل می‌شود. آسیب‌دیده نیز برای کاستن از این هزینه‌ها، با فرض صرفه اقتصادی، اقدامات احتیاطی انجام می‌دهد (فوری، ۲۰۰۹، ص ۱۷-۱۸). در این وضعیت، هزینه اجتماعی معادل سرجمع هزینه‌های فعالیت آسیب‌رساننده و آسیب‌دیده به‌علاوه هزینه احتیاطی این دو و هزینه‌های خارجی باقیمانده است. طبق قاعده یادشده، آسیب‌دیده با لحاظ هزینه‌های احتیاطی خود و هزینه‌های خارجی و آسیب‌رساننده با لحاظ هزینه‌های احتیاطی خود، سطح فعالیتشان را انتخاب می‌کنند. در این وضعیت نیز مجموع منافع آسیب‌دیده و آسیب‌رساننده، منافع اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

براساس دیدگاه نهادگرایی جدید، مسئله‌ای که در اینجا باید مورد بررسی قرار گیرد این است که اتخاذ کدام قاعده مسئولیت، بیشترین منفعت اجتماعی خالص را نتیجه می‌دهد (کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳-۱۳۴). این مسئله، جواب مشخصی ندارد و در هر مورد اتخاذ یکی از قواعد یادشده به بیشینه منفعت اجتماعی منجر می‌شود. به‌دیگرسخن، تعیین قاعده سازگار با رویکرد نهادگرایی، با نگاه مقایسه‌ای میان جمیع صورت‌های ممکن انجام می‌گیرد. در مجموع، سه حالت کلی قابل تصور است:

۱. ترجیح قاعده مسئولیت محض: اگر تفاضل منافع و هزینه‌های اجتماعی با اتخاذ این قاعده، بیش از دیگر قواعد باشد، قاعده سازگار با رویکرد نهادگرایی جدید، مسئولیت محض است؛
۲. ترجیح قاعده عدم مسئولیت: اگر تفاضل منافع و هزینه‌های اجتماعی با اتخاذ این قاعده، بیش از دیگر قواعد باشد، قاعده سازگار با رویکرد نهادگرایی جدید، عدم مسئولیت است؛
۳. ترجیح قاعده مسئولیت محض: اگر تفاضل منافع و هزینه‌های اجتماعی با اتخاذ این قاعده، بیش از دیگر قواعد باشد، قاعده سازگار با رویکرد نهادگرایی جدید، مسئولیت محض است.

۲-۴. جمع‌بندی

مطابق رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک، برقراری قاعده مسئولیت محض، از آنجا که هزینه‌های خارجی را در فعالیت ایجادکننده آن درونی می‌کند، یگانه قاعده مطلوب در مواجهه با آثار خارجی است؛ اما رویکرد نهادگرایی جدید، اتخاذ یک قاعده خاص را در مواجهه با آثار خارجی توصیه نمی‌کند. این رویکرد شاخصی ارائه می‌دهد که اتخاذ هر یک از قواعد مسئولیت مدنی که بیشتر آن را محقق کند، در مواجهه با آثار خارجی مطلوب است. شاخص یادشده، بیشینه‌سازی تفاضل منافع اجتماعی و هزینه‌های اجتماعی است. به‌عنوان مثال، اگر طرفین آثار خارجی، دامدار و کشاورز

باشند و جامعه محصولات دامی را بیشتر از محصولات زراعی ارزش‌گذاری کند، طبق رویکرد نهادگرایی جدید مطلوب است مسئولیت مدنی به‌عهده دامدار قرار نگیرد. در چنین شرایطی اتخاذ قاعده عدم مسئولیت برای فعالیت زیان‌بار دامدار، کاملاً در راستای رویکرد نهادگرایی خواهد بود.

۳. بررسی انطباق نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران بر رویکرد نئوکلاسیک و نهادگرا

چنانچه بیان شد، نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران، از مجرای مسئولیت مدنی قابل مشاهده است. بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی نیز آثار خارجی را از همین منظر نگریسته‌اند؛ البته این مقاله در پی ترسیم رویکرد اقتصاد ایران در مواجهه با آثار خارجی نیست؛ بلکه تنها به دنبال ارزیابی میزان تطبیق دو رویکرد مطرح در این زمینه، یعنی رویکرد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید بر نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران است. برای این منظور، در بخش قبل، ویژگی نظام مسئولیت مدنی سازگار با هر یک از این دو رویکرد تبیین شد. بدیهی است که هر چه این ویژگی‌ها بر نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران بیشتر منطبق باشند، نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران، به رویکردهای یادشده نزدیک‌تر می‌شود.

همچنین، توجه به این نکته ضروری است که صرف مطابقت قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران بر رویکرد نئوکلاسیک یا نهادگرایی جدید، به معنای حاکمیت این رویکردها بر نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران نیست؛ زیرا برای این نتیجه‌گیری، افزون بر سازگاری قواعد، هماهنگی اهداف نیز ضرورت دارد. به‌دیگرسخن، برای اینکه بتوان مدعی نئوکلاسیک یا نهادگرا بودن اقتصاد ایران در مواجهه با آثار خارجی شد، افزون بر اثبات سازگاری قواعد مسئولیت مدنی باید نشان داد که امکان اعمال کارایی اقتصادی به‌عنوان هدفی راهبردی در حقوق ایران وجود دارد. به همین جهت پیش از بررسی سازگاری قواعد، بحث کارایی در حقوق ایران بررسی می‌شود.

۳-۱. بررسی هدف کارایی اقتصادی در حقوق ایران

برخی معتقدند که در حقوق ایران، کارایی اقتصادی به‌عنوان هدف در نظر گرفته شده است و برای ادعای خود، شواهدی از قانون اساسی ارائه می‌کنند (بادینی و مهرداد، ۱۳۹۶، ص ۲۵):

۱. درست است در مقدمه قانون اساسی، با عنوان «اقتصاد وسیله است، نه هدف»، به این مطلب که اقتصاد، هدف نیست، بلکه وسیله است، اشاره شده است؛ اما در همین جا به تفاوت اقتصاد و کارایی و لزوم اهتمام به کارایی اشاره کرده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی، تمرکز و

تکثیر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت»؛

۲. همین مفهوم از قسمت دیگری از مقدمه قانون اساسی با عنوان «قوه مجریه» قابل استنباط است: «... نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست‌وپاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید». در واقع مقنن در این قسمت از قانون اساسی، در کنار عدل، کارایی را نیز پذیرفته و بر آن تصریح کرده است؛

۳. در اصل ۴۳ قانون اساسی، مجموعه اهداف تعیین شده برای اقتصاد کشور، حاکی از لزوم رعایت کارایی در اداره امور است.

درست است که در مقدمه قانون اساسی دو بار از لفظ کارایی استفاده شده است؛ اما کاربرد کارایی در این موارد، در معنای لغوی آن است، نه در معنای اصطلاحی آن که عبارت است از کارایی اقتصادی. آنچه در مقدمه قانون اساسی، ذیل عنوان «اقتصاد وسیله است، نه هدف» ذکر شده است، کاملاً در مقابل مفهوم کارایی اقتصادی است. به عنوان نمونه در همین مقدمه آشکارا اشاره می‌کند که اقتصاد ایران، برخلاف دیگر نظام‌های اقتصادی، به دنبال تمرکز و تکثیر ثروت و سودجویی نیست؛ در حالی که برای حصول کارایی اقتصادی اصطلاحی، که یکی از نتایج آن پیشینه شدن ثروت عنوان می‌شود، چاره‌ای جز رواج سودجویی و تعقیب نفع شخصی نیست.

همین تناقض، در محتوای اصل ۴۳ قانون اساسی نیز قابل مشاهده است. در این اصل، به ضوابطی مانند تأمین نیازهای اساسی، ایجاد شرایط و امکانات لازم برای اشتغال کامل، در نظر گرفتن فرصت کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی افراد در کنار تلاش کاری، جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری و منع معاملات باطل و حرام و اسراف و تبذیر اشاره شده که اگر در تعارض با کارایی اقتصادی نباشند، دست‌کم منطبق بر آن نیستند. بنابراین، نمی‌توان شواهد ارائه شده از جانب این دیدگاه را دلیل بر پذیرش کارایی اقتصادی اصطلاحی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانست.

این دیدگاه افزون بر شواهدی که از قانون اساسی ارائه داده، دلایل دیگری هم برای توجیه امکان اعمال کارایی در حقوق ایران ذکر کرده است؛ از جمله اینکه «از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، به‌طور ضمنی امکان پذیرش و اعمال کارایی استنباط می‌شود» (بادینی و مهرداد، ۱۳۹۶،

ص ۳۳-۳۴). ماده یادشده چنین است: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون، تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید».

شاید منظور از امکان پذیرش و اعمال کارایی در اینجا، ناظر به تعیین زیان توسط دادگاه با توجه به اوضاع و احوال قضیه باشد. با این توضیح که دادگاه با ملاحظه منافع و هزینه‌های اجتماعی، تصمیم می‌گیرد که میزان زیان و کیفیت جبران آن را تعیین کند. اما این برداشت نادرستی است؛ زیرا این قانون به هیچ وجه نمی‌خواهد دست دادگاه را برای تصمیم‌گیری در مورد تعیین مقدار زیان، براساس شرایط اقتصادی باز بگذارد. چنین رویه‌ای ضمن تعارض با اصول ۴، ۳۶ و ۱۶۶ قانون اساسی، با روح حاکم بر قانون مسئولیت مدنی نیز تعارض دارد؛ زیرا این قانون چنانچه از مواد دیگر آن قابل مشاهده است، مبتنی بر لزوم اثبات خسارت بر عامل زیان است.

یکی دیگر از دلایل ذکر شده برای ادعای یادشده، این است که «در فقه نیز منعی در اعمال این معیار وجود ندارد و حتی عقل به‌عنوان یکی از مبانی استنباط احکام پذیرفته شده است» (بادینی و مهرداد، ۱۳۹۶، ص ۳۳-۳۴). این ادعا در حالی صورت گرفته که هیچ نشانه‌ای از بررسی فقهی کارایی اقتصادی، مفروضات، لوازم و نتایج آن مشاهده نمی‌شود. این دیدگاه درباره جایگاه عقل در فقه و استفاده از آن برای توجیه اعمال قاعده کارایی در حقوق ایران چنین است: «در میان ادله استنباط احکام، عقل جایگاه مهمی دارد. نکته مهم در مورد جایگاه عقل در استنباط احکام، حصری و محدود نبودن قلمرو استنباط‌های عقلی است و حسب نیازها و موضوعات در هر زمان و مکان می‌تواند احکام جدید از طریق عقل استنباط شود. چنان‌که گفته شد، عمده مبانی کارایی، منطقی و عقلایی بودن آن است؛ ازاین‌رو حکم به تجویز استفاده از معیار کارایی در هر سه زمینه تقنین، اجرای حقوق یا تکالیف و فصل خصومات و اختلافات، با یکی از مبانی مهم استنباط در فقه اسلامی نیز سازگار است و از این جهت می‌توان امکان اجرای کارایی را توجیه و مستدل کرد» (بادینی و مهرداد، ۱۳۹۶، ص ۳۲). آشکار است اینکه عقل به‌عنوان یکی از منابع فقهی مورد پذیرش قرار گرفته است، هیچ ارتباطی به امکان اعمال کارایی اقتصادی در حقوق ایران ندارد.

به نظر می‌رسد که در مجموعه قوانین موضوعه ایران، از قانون اساسی گرفته تا دیگر قوانین، هیچ نشانه‌ای دال بر پذیرش کارایی اقتصادی اصطلاحی به‌عنوان هدف مشاهده نمی‌شود. حتی می‌توان نشانه‌هایی برخلاف این امر در حقوق ایران ارائه داد:

- کارایی اقتصادی مستلزم آن است که اشخاص در روابط میان خود آزاد باشند تا با پی‌جویی نفع شخصی توسط آنان، کارایی اقتصادی هم محقق شود؛ درحالی‌که براساس قوانین ایران،

اشخاص حقیقی نمی‌توانند برخلاف قواعد امری مانند منع تملک اموال عمومی (اصل ۴۵ قانون اساسی، مواد ۲۳ تا ۲۸ قانون مدنی و سایر مقررات)، ممنوعیت سلب حق به‌طور کلی (مواد ۹۵۵ و ۹۶۰ قانون مدنی)، لزوم رعایت شرایط اساسی قراردادها (ماده ۱۹۰ قانون مدنی و مقررات بعدی آن)، نظامات عمومی (ماده ۹۷۵ قانون مدنی) و به‌طور کلی، هرگونه قاعده حقوقی نقص‌ناپذیر، به بهانه کارا بودن موضوع عمل و توافق‌شان فعالیت کنند (بادینی و مهرداد، ۱۳۹۶، ص ۲۵)؛

- در خصوص اجرای معیار کارایی در فصل خصومت میان اشخاص در امور مالی و غیرمالی، می‌توان گفت با ملاک ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، اصولاً قضات نمی‌توانند برخلاف مفاد قوانین امری رسیدگی و اصدار رای کنند، هرچند بر مبنای معیار کارایی باشد (بادینی و مهرداد، ۱۳۹۶، ص ۳۰).

۲-۳. گستره قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران

در حقوق ایران می‌توان انواع قواعد مسئولیت مدنی را دید. برخی از پژوهشگران حقوقی کوشیده‌اند نشان دهند که مبنای واحدی در حقوق ایران برای مسئولیت مدنی وجود دارد و برخی دیگر کوشیده‌اند تعدد و عدم وحدت در مبنای مسئولیت مدنی را اثبات کنند. باوجود این اختلاف دیدگاه، می‌توان گفت که در حقوق ایران، قواعد عدم مسئولیت، مسئولیت محض و تقصیر وجود دارد؛ هر چند ممکن است برخی از این قواعد پرننگ‌تر و گسترده‌تر از دیگر قواعد باشند.

۳-۲-۱. قاعده مسئولیت محض

نظام حقوقی ایران در برخی موارد قاعده مسئولیت محض به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی برگزیده است. در ادامه به مصادیق مهم این قاعده در قوانین ایران اشاره می‌شود:

- یکی از مهم‌ترین و مشهورترین مواد قانونی در این زمینه، ماده ۳۲۸ قانون مدنی است که موضوع آن لزوم جبران خسارت ناشی از اتلاف مال دیگران است. این ماده چنین است: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد». از آنجاکه مسئول شناختن شخص اتلاف‌کننده مستلزم اثبات تقصیر وی نیست، مسئولیتی که در این ماده پیش‌بینی شده، مبتنی بر مسئولیت محض است (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶، ص ۵۱-۵۰).

- براساس مواد ۳۱۹ و ۳۲۱ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت پزشک در قبال بیماران از نوع مسئولیت محض است؛ زیرا اثبات تقصیر نقشی در استقرار آن ندارد (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۸-۲۹).

- مواد ۳۶۰ و ۳۶۱ قانون مجازات اسلامی هم درباره مسئولیت محض خسارت‌های ناشی از حیوانات است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۸).

- به نظر می‌رسد، ماده ۳۸۶ قانون تجارت نیز مبتنی بر همین قاعده است؛ براساس این ماده در صورتی که کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول جبران خسارات وارده است، مگر آنکه اثبات نماید خسارات وارده مستند به فعل او نیست. بنابراین می‌توان پذیرفت که در اینجا نیز مسئولیت مبتنی بر قاعده مسئولیت محض است (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶، ص ۵۱).

۳-۲-۲. قاعده تقصیر

درباره گستره قاعده تقصیر در حقوق ایران، میان صاحب‌نظران، اختلاف نظر وجود دارد. پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، برخی از حقوقدانان مبنای اصلی مسئولیت را در حقوق ایران، قاعده تقصیر می‌دانستند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۶)؛ البته با این قید که در مواردی مسئولیت بدون تقصیر نیز پذیرفته شده که استثناء است. این دیدگاه بر مواد ۳۳۱ و ۳۳۶ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی استوار بود:

- ماده ۳۳۱ قانون مدنی مربوط به وضعیتی است که ورود خسارت، اعم از آنکه خسارت واردشده تلف مال - عین، منفعت یا حق - یا جان باشد، با واسطه صورت گیرد و در اصطلاح حقوقی فاعل زیان به نسبت به دیگری خسارتی وارد آورد؛ مانند اینکه شخصی خودروی دیگری را دستکاری نماید و به سبب این عیب، خودروی یاد شده واژگون شود. توجه به ماده ۳۳۶ قانون مدنی نیز به همین نتیجه رهنمون می‌شود (بادینی و خودکار، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

- ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز بر مبنای قاعده تقصیر استوار شده است (امامی، ۱۳۸۶، ص ۵۸۷) و در مقام بیان قاعده کلی مسئولیت مقرر می‌نویسد که اگر شخصی به عمد یا در نتیجه بی‌احتیاطی به دیگری خسارتی وارد کند، مسئول جبران زبانی است که از فعل او ناشی می‌شود (بادینی و خودکار، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دیدگاه یادشده تضعیف شد؛ زیرا برخی از مواد این قانون (به ویژه مواد ۱۴۵، ۴۹۲، ۵۲۸ و ۵۲۹) مسئولیت را بر مبنای قابلیت استناد استوار کرده است (بادینی و خودکار، ۱۳۹۵، ص ۲۴). با وجود این، برخی معتقدند که قاعده تقصیر همچنان، مبنای اصلی مسئولیت در حقوق ایران است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۳).

۳-۲-۳. قاعده عدم مسئولیت

چنانچه بیان شد، منظور از برقراری قاعده عدم مسئولیت، وضعیتی است که به دلیل وجود یکی از موانع (روافع) مسئولیت مدنی است، مسئولیت از عهده آسیب‌رساننده برداشته می‌شود.

۳-۲-۳-۱. تقصیر زیان‌دیده

قانون‌گذار در حقوق ایران، هم به صورت عام و هم در موارد خاص از قبیل تصادفات، به بررسی نقش تقصیر زیان‌دیده در وقوع فعل زیان‌بار و تعیین مسئولین آن پرداخته است (خوئینی و بیرانوند، ۱۳۹۴، ص ۱۶۳).

در بند ۲ ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، نحوه مداخله هر یک از مسئولان در بروز حادثه، معیار تقسیم مسئولیت قرار داده شده است، پس بنا بر قاعده یادشده، دادگاه تمام عواملی را که در ایجاد ضرر دخالت داشته است، ارزیابی می‌کند و با ملاحظه تمام آنها نحوه مداخله را تشخیص می‌دهد.

قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قاعده عامی برای تعیین مسئولیت در مواردی پیش‌بینی کرده است که چند عامل در وقوع زیان نقش دارند. این ماده چنین است: «هرگاه دو یا چند عامل در وقوع جنایت تأثیری داشته باشند، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان رفتارشان مسئول هستند».

این موضوع همچنین در فقه اسلامی، ذیل عنوان اقدام و در برخی از فروع مختلف فقهی که در باب دیات و موجبات ضمان وجود دارد، مطرح و بررسی شده است (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۸۶). فقها از همان ابتدا، به هنگامی که چند سبب ظاهری در وقوع زیانی دخالت داشت، بررسی می‌کردند که عرفاً ضرر منتسب به کدام‌یک از اسباب ظاهری است و سبب اصلی حادثه زیان‌بار کدام است؛ اگر زیان ایجاد شده را منتسب به تمام اسباب می‌دانستند، حکم به تقسیم مسئولیت می‌کردند و چنانچه آن را منتسب به یک سبب می‌دانستند، تنها او را مسئول می‌دانستند (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۶۲).

۳-۲-۳-۲. نامشروع بودن رفتار زیان‌دیده

جستجو در مواد قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که نامشروع بودن رفتار زیان‌دیده در مواردی مانع استحقاق وی بر مطالبه جبران خسارت یا در برخی دیگر از حقوق خود و یا موجب کاهش خسارت قابل مطالبه است (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵):

- براساس مواد ۳۱۱ و ۳۱۳ قانون مدنی، شخص غاصب به دلیل نامشروع بودن عمل خود، ناچار از تحمل زیان‌هایی است که از این طریق به او وارد می‌شود. به‌دیگرسخن، براساس این مواد، اگر غاصب حین عمل نامشروع خویش متحمل خسارتی از جانب دیگران شود، حقی برای مطالبه آن ندارد. این مطلب را از مواد ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۸ و ۳۲۶ این قانون نیز می‌توان برداشت کرد؛

- براساس مواد ۳۰۵ و ۳۰۶ قانون مدنی، شخصی که با علم به عدم استحقاق خویش مالی را دریافت کرده و نیز شخصی که بدون ضرورت به اداره مال غیر مبادرت نموده است، محروم از مطالبه مخارجی دانسته شده که در این راستا متحمل شده است؛

- مطابق متن ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی و بند ۳ آن، رفتار نامشروع زیان‌دیده می‌تواند از موجبات کاهش خسارت قابل مطالبه باشد.

۳-۲-۳. حکم قانون و دستور مقام صالح

مهم‌ترین ماده قانونی که در این زمینه در حقوق ایران دیده می‌شود، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است. این ماده چنین است: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند؛ ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات یادشده باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به‌عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود».

همچنین، به موجب بخش دوم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به‌تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود. ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح نیز چنین است: هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دیه مقتول نخواهد بود.

۳-۳. بررسی سازگاری قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران با رویکرد نئوکلاسیک

رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک در مواجهه با آثار خارجی با قاعده مسئولیت محض سازگار است. بنابراین اگر نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران مبتنی بر این قاعده باشد، می‌توان گفت نحوه

مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران، منطبق بر رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک، یعنی درونی کردن آثار خارجی است.

با بررسی قوانین و ملاحظه دیدگاه حقوقدانان مشخص می‌شود که نه تنها مسئولیت مدنی در حقوق ایران حول قاعده مسئولیت مدنی نمی‌شود؛ بلکه چنانچه بیان شد، به اعتقاد برخی، مبنای اصلی مسئولیت در حقوق ایران، قاعده تقصیر است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۶؛ بادینی، خودکار و رحمتی، ۱۳۹۵، ص ۲۵).

البته مصادیقی از قاعده مسئولیت محض در نظام حقوقی ایران دیده می‌شود؛ اما استناد به این موارد برای نشان دادن تطبیق نحوه مواجهه با برخی از آثار خارجی در اقتصاد ایران بر رویکرد نئوکلاسیک، خالی از اشکال نیست؛ زیرا اولاً، براساس رویکرد نئوکلاسیک، مواجهه با آثار خارجی در همه موارد باید بر مبنای مسئولیت محض باشد و نه تنها در برخی موارد؛ ثانیاً، وضع قاعده مسئولیت مدنی به تنهایی برای مطابقت با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک کفایت نمی‌کند. برای این منظور، همچنین باید وضع این قاعده با هدف کارایی اقتصادی صورت گرفته باشد. این در حالی است که پیش‌تر، ابتدای حقوق ایران بر هدف کارایی اقتصادی مورد نقد و رد قرار گرفت.

۳-۴. بررسی سازگاری قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران با رویکرد نهادگرایی جدید

براساس رویکرد نهادگرایی جدید، هر یک از قواعد مسئولیت مدنی که نسبت به نمونه‌های بدیل، منفعت اجتماعی خالص را بیشینه کند، همان باید در مواجهه با آثار خارجی اتخاذ شود. در این رویکرد توجه ویژه‌ای به تدوین قوانین براساس هزینه و فایده فعالیت‌های مختلف اقتصادی شده است. بدیهی است که در صورت اتخاذ قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران بر مبنای اصل یادشده، مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران منطبق با رویکرد نهادگرایی جدید خواهد بود.

نشانه‌هایی از رویکرد نهادگرایی جدید در نظام مسئولیت مدنی ایران دیدنی است. به‌عنوان مثال، برقراری مسئولیت محض برای پزشک را می‌توان در این راستا دانست؛ زیرا به نظر می‌رسد نسبت به دیگر قواعد، به منفعت اجتماعی خالص بالاتری برسد. از آنجا که در رابطه درمانی میان بیمار و پزشک، امکان پیشگیری از بروز زیان از جانب پزشک فراهم است و وی می‌تواند با اندک احتیاطی، از بروز هزینه‌های خارجی بزرگی پیشگیری کند، برای کمینه شدن هزینه اجتماعی، بهتر است پزشک مسئول جبران خسارت باشد؛ البته این کار تا حدی باعث کاهش فعالیت پزشکی می‌شود که با تدبیر بیمه مسئولیت مدنی اجباری برای پزشکان، این مشکل نیز برطرف شده است. باوجود این، تنها می‌توان بخشی از نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران را منطبق بر رویکرد

نهادگرایی جدید دانست؛ البته در آگاهانه بودن این انطباق جای تردید وجود دارد؛ به‌دیگرسخن، به نظر نمی‌رسد که قانون‌گذار در این موارد با عنایت به هزینه و فایده اقتصادی اقدام به اتخاذ قاعده مسئولیت مدنی نموده باشد.

نکته دیگر اینکه در بسیاری از موارد، انطباق با رویکرد نهادگرایی جدید، نیازمند تصمیم دادگاه‌هاست؛ زیرا امکان تدوین قوانین بی‌شمار برای حالت‌های مختلف وجود ندارد. به‌دیگرسخن، دادگاه‌ها باید نتایج اقتصادی تصمیم‌های خود را در نظر داشته باشند (کوز، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷). لازمه این نحو تصمیم‌گیری دادگاه‌ها، پیش‌بینی آن در سازوکار قانونی رفتار دادگاه‌هاست؛ زیرا چنانچه از اصل ۳۶ قانون اساسی برمی‌آید، مرجع حکم و مجازات، دادگاه صالح است و مبنای آن، قانون است. اصل ۱۶۶ نیز در این زمینه چنین است: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است». ازاین‌رو دادگاه خارج از قانون نمی‌تواند عمل کند؛ اما در هیچ یک از قوانین موضوعه در حقوق ایران، الزام یا توصیه‌ای به دادگاه‌ها برای در نظر گرفتن هدف پیشینه شدن منفعت اجتماعی خالص دیده نمی‌شود. در اصل ۶۱ قانون اساسی اشاره شده است که تشکیل و فعالیت دادگاه‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد.

حاصل آنکه با بررسی نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران، به روشنی مشخص می‌شود که در اتخاذ قواعد، توجهی به منافع و هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های مختلف نشده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده است تا میزان تطبیق نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران، بر رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید ارزیابی شود. به این منظور، در گام اول، رهیافتی حقوقی با محوریت مسئولیت مدنی در مواجهه با آثار خارجی معرفی شد. براساس این رهیافت، در گام دوم، قواعد مسئولیت مدنی سازگار با هر یک از رویکردهای نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید شناسایی شد. رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک، با قاعده مسئولیت محض سازگار است؛ زیرا با اتخاذ این قاعده، عامل ایجاد هزینه‌های خارجی ناچار است این هزینه‌ها را به‌طور کامل در فعالیت خود درونی کند. در مقابل، براساس رویکرد نهادگرایی جدید، قاعده‌ای در مواجهه با آثار خارجی کارایی دارد که نسبت به قواعد دیگر، به پیشینه شدن منفعت اجتماعی خالص منجر شود. بنابراین، هر یک از قواعد مسئولیت مدنی، به شرط دارا بودن ویژگی یادشده، با رویکرد نهادگرایی جدید سازگارند.

در گام سوم، ضمن بررسی گستره قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران، انطباق این قواعد بر

رویکرد نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان از آن است که صرف نظر از برخی موارد، نحوه اتخاذ قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران، منطبق بر رویکردهای یادشده نیست؛ زیرا اولاً، برخلاف رویکرد نئوکلاسیک، قاعده اصلی در نظام مسئولیت مدنی ایران، مسئولیت محض نیست و ثانیاً، برخلاف رویکرد نهادگرایی جدید، بیشینه‌سازی منفعت اجتماعی خالص، ملاک تعیین قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران نیست. افزون بر این، مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، با هدف تحقق کارایی اقتصادی شکل نگرفته‌اند؛ ازاین‌رو اصولاً بستر لازم برای انطباق نحوه مواجهه با آثار خارجی در اقتصاد ایران بر رویکردهای یادشده فراهم نیست. به تصریح اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشند و این اصل بر همه قانون و مقررات دیگر حاکم است. ازاین‌رو عدم انطباق قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران بر رویکردهای نئوکلاسیک و نهادگرایی جدید را می‌توان نشانه‌ای بر ناسازگاری این رویکردها با نگرش اسلامی دانست.



منابع

۱. اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، «مفهوم و جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی قهری و قراردادی»، الهیات و حقوق، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۵۱-۹۴.
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، بی جا: انتشارات اسلامی.
۳. بادینی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. بادینی، حسن و سمیه عباسی (۱۳۹۵)، «بررسی کارایی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق»، حقوق تطبیقی، ش ۱۰۹، ص ۳-۲۴.
۵. بادینی، حسن و مهدی مهرداد (۱۳۹۶)، «کارایی اقتصادی در حقوق خصوصی؛ نظریه و مصادیق»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۷، ش ۱، ص ۱۹-۳۵.
۶. بادینی، حسن؛ رضا خودکار و پرویز رحمتی (۱۳۹۵)، «قلمرو اقتصادی قاعده تقصیر و بررسی کارایی آن در حقوق ایران»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، ش ۱، ص ۲۱-۳۹.
۷. بادینی، حسن؛ هادی شعبانی کندسری و سجاد رادپور (۱۳۹۱)، «مسئولیت محض، مبانی و مصادیق»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، ش ۱، ص ۱۹-۳۶.
۸. بلاگ، مارک (۱۳۷۵)، اقتصاددانان بزرگ جهان، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
۹. بیاتی، محمدحسین و ابوالفضل حشمتی (۱۳۹۴)، «وظایف و مسئولیت مدنی زیان دیده در مقابله و کاهش خسارت»، جستارهای فقه و حقوق خصوصی، دوره ۲، ش ۳، ص ۲۳-۵۲.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۱. حلی، علامه حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: انتشارات اسلامی.
۱۲. خوئینی، غفور و رضا بیرانوند (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی تقصیر زیان دیده در رفع مسئولیت مدنی پلیس»، دانش انتظامی، ش ۶۹، ص ۱۴۷-۱۷۰.
۱۳. دادگر، یداله و رضا خودکار (۱۳۹۶)، «تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض و بررسی کارایی آن در حقوق ایران»، تحقیقات حقوقی، ش ۷۸، ص ۳۹-۵۶.
۱۴. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.

۱۵. سعادت مصطفوی، سیدمصطفی و محمدجواد پایکاری (۱۳۹۶)، «نگرشی جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه»، آموزه‌های حقوقی گواه، دوره ۳، ش ۱، ص ۱۵۹-۱۸۵.
۱۶. شاول، استیون (۱۳۸۸)، مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، ترجمه محسن اسمعیلی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۷. صفایی، سیدحسین و حبیب‌اله رحیمی (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت.
۱۸. عباسلو، بختیار (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
۱۹. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۷۸)، مبانی مسئولیت مدنی، تهران: دادگستر.
۲۰. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۶)، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: میزان.
۲۱. قاسمی، محسن (۱۳۹۶)، «دفاع» نامشروع بودن رفتار زیان‌دیده» در مسئولیت مدنی (بررسی تطبیقی در کامن‌لا، فقه امامیه و حقوق ایران)»، فقه و حقوق اسلامی، دوره ۸، ش ۱۵، ص ۷۳-۱۱۰.
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. کاظمی، محمود (۱۳۸۴)، «قاعده جلوگیری از خسارت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۸، ص ۱۹۹-۲۳۱.
۲۴. کاظمی، محمود (۱۳۹۱)، «اثر فعل زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۷، ص ۱۰۴-۷۹.
۲۵. کوز، رونالد (۱۳۹۰)، مسئله هزینه اجتماعی، در کتاب تجدید حیات اقتصاد نهادی (نگاهی به اندیشه‌های اقتصاددانان نهادی جدید)، گردآوری و ترجمه محمود توسلی؛ محمود مشهدی‌احمد؛ علی نیکونستی و مصطفی سمیعی‌نسب، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۶. لطفی، اسداله (۱۳۹۳)، سلسله مباحث فقهی، حقوقی مسئولیت مدنی، تهران: جاودانه، جنگل.
۲۷. مبین، حجت (۱۳۹۰)، نظریه قابلیت استناد در مباحث مسئولیت مدنی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
28. Calabresi, Guido (1961), "Some Thoughts on Risk Distribution and the Law of Torts", *Yale Law journal*, pp. 499-553,
29. Coleman, Jules L. (1992), *Risks and Wrongs*, *Cambridge studies in philosophy and law*, Cambridge University Press.

30. Faure, Michael (2009), *Tort Law and Economics*, *Encyclopedia of Law and Economics*, Massachusett: Edwar Elgar Publishing Limited.
31. Katez, Avery W. (1998), *Foundations of Economics Approach to Law*, *Interdisciplinary readers in law*, Oxford University Press.
32. Legraud, P. (1991), "La dynamique de limpunite: autour de la defence dex turpi causa en common law des delits civils", in *McGill Law Journal*, Vol. 36.
33. Mattiacci, Guiseppe; Parisi, Francesco (2006), "The Economics of Tort Law", *Published in The Elgar Companion to Law and Economics*, Edward Elgar Publishing.
34. Perry, Stephen R. (2000), "Tort Law", in a *Companion to Philosophy of Law and Legal Theory*, Edited by Dennis Patterson, Blackwell Publishers.
35. Pigou, A. C.; (1932), *The Economics of Welfare*, *Fourth edition*, London: Macmillan.
36. Posner, Richard (1995), *Wealth Maximization and Tort Law: A Philosophical Inquiry*, In *Philosophical Foundations of Tort Law*, *Collection of Essayes*, Edited by David G. Owen, Clarendon Press, Oxford, First Published.